

بررسی محدوده سنی تحقق درک معقولات ثانیه فلسفی در کودکان

مهدی پرویزی*

علی ستاری**

چکیده

هدف این مقاله بررسی و تعیین محدوده سنی‌ای است که کودکان در آن می‌توانند معقولات ثانیه فلسفی را درک کنند. پژوهش از نوع ترکیبی و با کاربرد روش کیفی و کمی انجام شده است. از روش کیفی در تبیین چگونگی ادراک مفاهیم فلسفی و فرایند درک مفاهیم عقلی و فلسفی تا محدوده سنی شش سالگی، و از روش کمی برای تعیین میزان درک مفاهیم فلسفی توسط کودکان در سن شش سالگی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش ۲۴ نفر شامل شش دختر و هجده نفر پسر است.

در مراحل انجام پژوهش ابتدا مشخص شد که سه مرتبه نخست عقل نظری (عقل بالقوه، عقل بالملکه و عقل بالفعل) در چه محدوده سنی تحقق پیدا می‌کنند و سپس متناظر با آن کیفیت درک انواع مفاهیم در دوران کودکی تبیین و محدوده سنی درک معقولات ثانیه فلسفی در کودکان تعیین و در پایان میزان درک کودکان از مفاهیم فلسفی در این محدوده سنی بررسی شده است.

نتایج نشان می‌دهد که کودکان در مرتبه عقل بالقوه نمی‌توانند مفاهیم کلی را درک کنند. آنان در مرحله عقل بالملکه معقولات اولی مانند درخت، اسب، کوه و خانه را درک می‌کنند و در مرتبه عقل بالفعل، معقولات ثانیه فلسفی مانند وجود، عدم، ماهیت، علت و زمان را درک می‌کنند. برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های کولموگروف اسمیرنوف و خی دو استفاده شده و با توجه به شواهد پژوهش کودکان در سن شش سالگی به مرتبه عقل بالفعل دست یافته و توانایی درک مفاهیم فلسفی را پیدا می‌کنند.

واژگان کلیدی: مراتب عقل نظری، درک مفاهیم عقلی، معقولات ثانیه فلسفی، کودک، آموزش فلسفه اسلامی به کودکان، و سن درک مفاهیم فلسفی.

mim.parvizi@gmail.com

alisattari@alzahra.ac.ir

* دانشجوی دکتری عرفان و تصوف، دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول)

** استادیار دانشگاه الزهراء

این مقاله در راستای انجام پژوهش مصوب صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور با عنوان «شیوه آموزش مفاهیم فلسفه اسلامی به کودکان پیش از دبستان» به نگارش درآمده است.

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۸

مقدمه

کارآمدی و بقای هر نظام فلسفی به ترویج و رسوخ آموزه‌های آن در لایه‌های مختلف جامعه بستگی دارد. یکی از راهکارهای ممکن برای این منظور، ساده‌سازی گزاره‌های فلسفی و عمومی‌سازی آن در سطح جامعه، به‌ویژه از طریق آموزش به کودکان است. این در حالی است که در ایران به‌عنوان مهد سه جریان فلسفی جهان اسلام، یعنی حکمت مشاء، حکمت اشراق و حکمت متعالیه، کوشش چندانی برای آموزش فلسفه اسلامی به کودکان انجام نشده و منبع و روش خاصی برای آن ارائه نشده است.

معقولات ثانیه فلسفی مفاهیمی هستند که فلسفه اسلامی با آنها شکل گرفته است؛ از این‌رو درک صحیح معقولات ثانیه فلسفی مقدمه فهم فلسفه اسلامی است. این امر در آسان‌سازی فلسفه اسلامی و حتی آموزش آن به کودکان نباید مورد غفلت قرار گیرد؛ زیرا توجه به این امر دشواری آموزش فلسفه اسلامی به کودکان را تسهیل می‌کند؛ چراکه با فراهم کردن برخی مقدمات و زمینه‌های لازم در فهم مفاهیم فلسفی از یک‌سو، و بهره‌گیری از استعدادهای خدادادی کودکان از سوی دیگر، می‌توان طرح و روشی مناسب برای آموزش فلسفه اسلامی به کودکان ارائه کرد. برای این منظور ضروری است محدوده سنی که کودکان می‌توانند در آن به درک مفاهیم فلسفی نائل شوند، بررسی و تعیین گردد؛ زیرا تلقی و تصور رایج این است که کودکان نمی‌توانند مفاهیم انتزاعی و فلسفی را درک کنند. به همین دلیل تاکنون اقدامی برای آموزش فلسفه اسلامی به کودکان انجام نشده و در نتیجه پژوهشی برای تبیین و گزارش میزان درک کودکان از معقولات ثانیه فلسفی گزارش نشده است. این در حالی است که توضیحات مربوط به انواع معقولات و مراتب عقل نظری، بستر مناسبی را جهت بررسی و تعیین محدوده سنی که کودکان قادر به درک مفاهیم فلسفی می‌شوند به دست می‌دهد. در عین حال با استناد به شواهد عینی مبنی بر توانایی کودکان در درک مفاهیم فلسفی، حتی میزان درک این مفاهیم در دوران کودکی قابل توصیف است.

سؤال اصلی مقاله این است که: کودکان در چه سنی قادر به درک معقولات ثانیه فلسفی هستند؟ در این راستا پاسخ به سه سؤال فرعی لازم است: اول آنکه هر یک از مراتب عقل نظری (عقل بالقوه، عقل بالملکه و عقل بالفعل) در چه محدوده سنی تحقق می‌یابند؟ دوم آنکه درک معقولات ثانیه فلسفی چگونه و در کدام مرتبه عقل نظری صورت می‌گیرد؟ و سوم آنکه میزان درک مفاهیم فلسفی توسط کودکان، در این مرتبه، چقدر است؟

به این ترتیب، پژوهش حاضر تبیینی از محدوده سنی پیدایش سه مرتبه نخست عقل نظری و درک مفاهیم فلسفی، همچنین میزان توانایی کودکان در درک معقولات ثانیه فلسفی را به دست می‌دهد. این مقاله در تعیین محدوده سنی تحقق سه مرتبه نخست عقل نظری در دوران کودکی و

همچنین تبیین توانایی کودکان در فهم معقولات ثانیه فلسفی دارای نوآوری است. دستاورد مقاله، تبیین و توصیف فرایند درک مفاهیم فلسفه اسلامی در کودکان پیش از دبستان، و در نتیجه فراهم سازی مقدمات و زمینه های لازم برای ارائه برنامه ای مناسب برای آموزش مفاهیم فلسفی و فلسفه اسلامی به کودکان است.

مبانی نظری

مفهوم کلی و فلسفی

مفاهیم به دو نوع کلی و جزئی تقسیم می شوند. کلی مفهومی است که فرض صدقش بر کثیرین ممتنع نیست؛ ولی جزئی بر مفهومی اطلاق می شود که دلالتش بر کثیرین ممتنع است. مفاهیم کلی با روش های مختلفی برای ذهن حاصل می شوند. اختلاف کیفیت این روش ها باعث تنوع مفاهیم کلی است. به این ترتیب هر علمی با توجه به موضوع و مسائلش و متناسب با ویژگی های آن با دسته ای از این مفاهیم سروکار دارد. در این میان بیشترین مفاهیم استفاده شده در حکمت و فلسفه اسلامی نوع خاصی از مفاهیم است که با عنوان معقول ثانی فلسفی شناخته می شوند (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۲۴۸-۲۴۹ و همو، ۱۳۷۵، ص ۳۰۹ و مصباح، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۷۶). با این مقدمه تفاوت معقول ثانی فلسفی با معقول اول و ثانی منطقی توضیح داده می شود.

مفاهیم کلی مثل انسان و حیوان غیر از معلومات حسی و خیالی هستند^۱ و به دلیل کلیت معقول نامیده می شوند (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۲۶۹). معقولات خود به دو دسته اولی و ثانوی تقسیم می شوند: معقولات اولیه مثل درخت و آسمان صورت اشیا در ذهن هستند. به تعبیر دیگر حقیقتی را که از عین به حس و از خیال و از خیال به عقل درآمده و مفهومی کلی شده، معقول اولی می گویند (همو، ۱۳۷۴، ص ۳۶۲-۳۶۴)؛ برخی از مفاهیم کلی مثل نوع و جنس، انعکاس اعیان اشیا خارجی در ذهن نیستند (همان، ص ۳۶۴). این مفاهیم که معقول ثانی نامیده می شوند، دو گونه اند: معقول ثانی منطقی و معقول ثانی فلسفی (سبزواری، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۶۵).

معقولات ثانیه منطقی به عنوان حالات معقولات اولیه در ذهن وجود دارند و ظرف تحقق و صدق آنها فقط ذهن است (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۲۷۰) و تنها حمل بر امور ذهنی می شوند (مصباح، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۷۶)؛ مانند مفهوم کلی در قضیه «انسان کلی است»؛ به این ترتیب معقولات ثانیه منطقی، ذهنی محض بوده و بر موجودات خارج از ذهن صدق نمی کنند و مصداقشان فقط در ظرف ذهن تحقق می یابد (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۳۶۵).

۱. معلومات حسی، وهمی و خیالی معانی و صوری جزئی هستند که توسط حس، واهمه و خیال درک می شوند؛ ولی معقولات معانی و صوری کلی هستند که معلوم عقل واقع می شوند.

معقولات ثانیه فلسفی همچون علیت، وجود، ماهیت و زمان مفاهیمی هستند که به واسطه کندوکاو ذهنی و از طریق مقایسه انتزاع می‌شوند (مصباح، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۷۷)؛ هرچند این مفاهیم مثل معقولات اولیه صورت‌اشیای عینی نیستند، ولی مانند معقولات ثانیه منطقی نیز ظرف تحقق و صدقشان صرفاً ذهن نیست (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۳۶۷). به سخن دیگر این نوع از معقولات هم با عینیت سروکار دارند و هم با ذهنیت؛ برای نمونه در قضیه‌ای مثل «انسان واحد است»، وحدت به‌عنوان یکی از حالات انسان خارجی مطرح است؛ ولی از آنجا که مفهوم وحدت، به‌خودی‌خود وجودی مستقل ندارد و عین هويت انسان و صفت اوست، چیزی غیر از حقیقت انسان نیست (همان، ۱۳۷۲، ص ۲۷۸)؛ از این‌رو معقول ثانی فلسفی به نحوی حاکی از خارج نیز است (همان، ۱۳۷۵، ص ۲۶۲).

مراتب عقل نظری

عقل بالقوه اولین مرتبه عقل نظری است. در این مرحله انسان استعداد و آمادگی درک معقولات را پیدا می‌کند؛ یعنی این توانایی را پیدا می‌کند که در صورت تقارن با هر یک از اشیای جسمانی، آن را مثل خودش عقلانی کند (صدرالمتألهین، ۱۳۶۳، ش ۵۱۴). دومین مرتبه عقل نظری عقل بالملکه نامیده می‌شود. در این مرحله تصورات و تصدیقات بدیهی درک می‌شوند (همان، ص ۵۲۱ و طباطبایی، ۱۴۲۲، ص ۲۴۸). عقل بالفعل عنوان سومین مرتبه عقل نظری است. در این مرتبه مطالب نظری از مطالب بدیهی نتیجه‌گیری و تعقل می‌شوند؛ از این‌رو نفس می‌تواند تصورات و تصدیقات عقلی را که به‌صورت نظری به دست آورده و بدیهی نیستند، هر زمان که خواست به‌راحتی نزد خود حاضر و آنها را درک کند (صدرالمتألهین، همان، ص ۵۲۲ و طباطبایی، همان). چهارمین مرتبه عقل نظری، عقل مستفاد خوانده می‌شود. در این مرحله انسان می‌تواند مرز ماده را طی کرده و بر عوالم مادی و مجرد تسلط یابد؛ از این‌رو دیگر حجاب‌های مادی، باعث محدودیت در ادراک عقلی او نمی‌شود. در این مرتبه به دلیل توجه نفس ناطقه به معقولات بدیهی و نظری (اعم از تصدیقی و تصویری) و حضور حقایق آنها نزد وی، انسان آنها را همان‌گونه که هستند به‌صورت شهودی درک می‌کند^۱ (طباطبایی، همان، ص ۲۴۸-۲۴۹).

کیفیت ادراک معقولات ثانیه فلسفی

کیفیت انتزاع و درک معقولات ثانیه از معقولات اولی برای اولین بار توسط علامه طباطبایی مطرح شد (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۲۴۸-۲۵۱). ملاصدرا حصول مفاهیم فلسفی در ذهن - که مفاهیمی

۱. تفاوت عقل مستفاد با عقل بالفعل «اعتبار مشاهده معقولات هنگام اتصال به مبدأ فعال و دریافت معقولات از مافوق است» (صدرالمتألهین، ۱۳۵۴، ص ۲۷۳).

انتزاعی بودند- را ناشی از جعل و اعتبار ذهنی می‌دانست و تنها دو طریق حس و شهود را منشأ علم حصولی به این مفاهیم می‌دانست (اسماعیلی، ۱۳۸۸). با این حال علامه طباطبایی در تحلیل چگونگی انتزاع مفاهیم فلسفی از یافته‌های بی‌واسطه حضوری، نظریه‌ای مهم و ابتکاری را ارائه کرد و طی آن توضیح داد که درک مفاهیم فلسفی از طریق تأمل در رویدادهای ادراکی نفسانی پدید می‌آید (فنائی، ۱۳۸۷، ص ۹۸).

نگاه تاریخی به مسئله معقول ثانی در فلسفه اسلامی نشان می‌دهد که در ابتدا مفاهیم فلسفی به‌عنوان اوصاف و محمولات مفاهیم ماهوی (از حیث حکایت آنها از خارج) درک می‌شدند. سپس این نکته را به دست می‌دهد که برای انتزاع مفاهیم فلسفی باید عقل میان دو مفهوم مقایسه کند و با دقت در نسبت بین آنها، این مفاهیم را درک کند. سرانجام نظریه انتزاع مفاهیم فلسفی از یافته‌های حضوری، برای اولین بار توسط علامه سیدمحمدحسین طباطبایی طرح شده است. طبق تحلیل علامه، انتزاع این مفاهیم توسط قوه‌ای به نام خیال صورت می‌گیرد. این قوه به دلیل اتصال با معلومات حضوری و حذف آثار خارجی آنها منجر به درک حصولی و تصور معقولات ثانیه فلسفی می‌شود (همان، ص ۲۲۸-۲۳۲).

علامه طباطبایی برای توضیح کیفیت ادراک معقولات ثانیه فلسفی و انتزاع آنها از معقولات اولی، پای عملکردی خاص از قوه مدرکه را به میان می‌کشد که در حقیقت نوعی انتزاع است. ایشان این عملکرد را «اعتبار» می‌نامد. وی با توجه به دو مبنای اساسی یعنی تقدم ادراکات جزئی بر کلی و مسبقیت هر علم حصولی به علم شهودی حضوری، توضیح می‌دهد که از طریق محسوسات مفاهیمی کلی در ذهن انسان حاصل می‌شوند. به دنبال حصول مفاهیم کلی و فعالیتی خاص بر روی آنها، مفاهیم فلسفی پدید می‌آیند (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۲۵۳-۲۶۴).

باید توجه داشت انسان در ابتدا فاقد هرگونه تصویری است و شرط ساخته شدن مفاهیم در ذهن این است که واقعیات عینی را به نحو حضوری نزد خود یافته باشد. به همین دلیل قوه خیال هم که متصدی صورت‌گیری و عکس‌برداری از واقعیات است به خودی خود قادر به تولید هیچ صورتی نیست و صرفاً با اتصال وجودی به چیزی از واقعیات، می‌تواند صورتی از آن ساخته و به حافظه بسپارد (همان، ص ۲۶۹-۲۷۴)؛ به همین دلیل مادامی که انسان با دریا مواجه نشده، هیچ تصویری از رنگ آبی دریا و موج‌های خروشان آن ندارد؛ ولی با مشاهده عینی آن زمینه برای صورت‌گیری و تصویربرداری قوه خیال فراهم می‌شود. بدین‌سان هر زمان انسان بخواهد مفهومی از دریا در ذهن خود داشته باشد، در صورت مواجهه قبلی با دریا، قادر به انجام این کار خواهد بود. این کار قوه خیال همان تبدیل معلوم حضوری به معلوم حصولی است.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با موضوع پژوهش، پیشینه پژوهش‌ها نشان می‌دهند که کمتر از ده سال گذشته، پنج پژوهش مستقل در ارتباط با معقول‌ثانی فلسفی انجام شده است. فنائی اشکوری (۱۳۸۷) انواع مفاهیم کلی در فلسفه اسلامی را با فلسفه غربی مقایسه، توصیف و تحلیل کرده است. اسماعیلی (۱۳۸۹) معقول‌ثانی فلسفی در فلسفه اسلامی را بررسی کرده است. شیوه انجام این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج آن فرایند تبیین معقول‌ثانی فلسفی در طول تاریخ فلسفه اسلامی را نشان می‌دهد. همچنین اسماعیلی (۱۳۸۸) با روش توصیفی-تحلیلی معقول‌ثانی فلسفی در فلسفه صدرالمتألهین را بررسی کرده است. شریف (۱۳۸۸) معقول‌ثانی فلسفی در فلسفه اسلامی از خواجه نصیرالدین طوسی تا میرداماد را به روش توصیفی-تحلیلی انجام داده است. روضاتی (۱۳۸۲) نظریه ملاصدرا در واقع‌نمایی معقول‌ثانی فلسفی را نقد کرده است. وی با این پیش‌فرض که اعتبار و ارزش علمی و معرفتی فلسفه اولی مرهون درجه واقع‌نمایی معقول‌های ثانی فلسفی است، نحوه حکایت‌گری معقول‌های ثانی فلسفی از هستی و اوصاف و عوارض آن را بررسی کرده است.

در ارتباط مستقیم با موضوع پژوهش حاضر می‌توان به پرویزی (۱۳۹۲) اشاره کرد که با هدف آموزش فلسفه اسلامی به کودکان انجام شده است. همچنین پرویزی (۱۳۹۳) با بهره‌گیری از فعالیت‌های هنری، تجربه عملی، بازی، همچنین تعریف معیارهایی برای سنجش میزان درک مفاهیم فلسفی در کودکان، آموزش مفاهیم فلسفی به کودکان را بررسی کرده است. این پژوهش در واقع تجربه میدانی و عملی پژوهش پیشین است. این دو پژوهش هرچند به تبیین چگونگی و روش آموزش هر یک از مفاهیم فلسفی به کودکان پرداخته، ولی به لحاظ نظری و معرفت‌شناختی درصدد تعیین محدوده سنی آن مرتبه از مراتب عقل نظری که درک معقولات ثانیه فلسفی در آن ممکن می‌شود، نبوده‌اند.^۱ از این‌رو مقاله حاضر در نوع خود حاوی نوآوری است؛ زیرا براساس مبانی نظری و کیفیت ادراک معقول‌ثانی فلسفی به تعیین محدوده سنی تحقق هر یک از مراتب عقل بالقوه، عقل بالملکه و عقل بالفعل پرداخته است. همچنین دربردارنده شواهدی تجربی در تحقق درک معقولات ثانیه فلسفی توسط کودکان در یک محدوده سنی خاص است.

۱. گفتنی است که تعریف متمایز فلسفه، در فلسفه اسلامی از دیگر مکاتب فلسفی، باعث تمایز ذاتی فلسفه اسلامی و مسائل آن از دیگر فلسفه‌ها، از جمله تعلیم و تربیت است. از این‌رو انبوه پژوهش‌ها با عناوینی همچون فلسفه برای کودکان (Philosophy for Children) یا فلسفه با کودکان (Philosophy with Children) از اساس با این پژوهش بی‌ارتباط بوده و نیازی به طرح آنها نیست.

یافته‌های پژوهش

الف. یافته‌های کیفی

محدوده سنی پیدایش مراتب عقل نظری

در پاسخ به این پرسش اصلی که کودکان در چه محدوده سنی قادر به درک معقولات ثانیه فلسفی می‌شوند، لازم است ابتدا مشخص شود که سه مرتبه عقل بالقوه، عقل بالملکه و عقل بالفعل در چه محدوده سنی در کودکان محقق می‌شوند؛ زیرا همان‌طور که بیان شد در مرتبه عقل بالملکه مفاهیم بدیهی و در مرتبه عقل بالفعل مفاهیم نظری درک می‌شوند و با این پیش‌فرض که معقولات ثانیه مفاهیمی نظری هستند و درک آنها مشروط به تحقق سومین مرتبه عقل نظری است، باید معین شود که عقل بالفعل در چه سنی تحقق می‌یابد.

انسان زندگی خود را با قوای ادراکی حیوانی آغاز می‌کند. این قوای ادراکی منحصر در حواس ظاهری و باطنی هستند. حواس ظاهری^۱ عبارتند از: سمع، بصر، شمع، ذوق و لمس،^۲ و حواس باطنی نیز عبارتند از: حس مشترک (مدرك صور)،^۳ خیال (مصوره)،^۴ واهمه،^۵ حافظه (ذاکره یا مسترجعه)،^۶ متخیله (متفکره)^۷ که تحت سه دسته مدركه، حافظه و متصرفه جای می‌گیرند (صدرالمتألهین، ۱۳۶۰، ص ۱۹۱-۱۹۴). تعالی انسان از این مرتبه ادراکی نیازمند دو امر است: یکی دریافت حقایق و صور علمی از مافوق و دیگری تأثیرگذاری انسان در مادون (جسم)؛ از این رو انسان دارای دو قوه علامه و عماله می‌شود که عقل نظری و عملی نیز نامیده می‌شوند.^۸

دستیابی انسان به این قوا زمینه‌ای برای استمرار حیات انسانی و رشد و کمال انسان است؛ زیرا زندگی انسانی انسان مراتبی دارد که طی آنها مشروط به طی مراتب عقل نظری و عملی است. به اجمال مراتب عقل نظری عبارتند از: عقل هیولانی،^۹ عقل بالملکه،^{۱۰} عقل بالفعل،^{۱۱} عقل مستفاد؛^{۱۲}

۱. به دلیل تجرد علم، این حواس دارای مکان و وضع نبوده، قائم به مدركند؛ البته هر یک از این قوا دارای آلات و ابزاری (در موضع خاص) هستند (صدرالمتألهین، ۱۳۰۲ق، ص ۲۹۸).

۲. ر.ک: صدرالمتألهین، ۱۳۰۲ق، ص ۲۹۳.

۳. مراد، ذهن است که صور و معلومات را از طریق حواس پنج‌گانه ظاهری دریافت می‌کند. ر.ک: صدرالمتألهین، ۱۳۶۰، ص ۱۹۳ و همان، ۱۹۸۱م، ج ۸، ص ۲۰۵-۲۱۱.

۴. اموری را که حس مشترک دریافت کرده حفظ و خزینه‌داری می‌کند. ر.ک: صدرالمتألهین، ۱۳۶۰، ص ۱۹۳-۱۹۴ و همان، ۱۹۸۱م، ج ۸، ص ۲۱۱-۲۱۴.

۵. مدرك معانی و احکام جزئی است. ر.ک: صدرالمتألهین، ۱۳۶۰، ص ۱۹۴ و همان، ۱۹۸۱م، ج ۸، ص ۲۱۵-۲۱۸.

۶. معانی و احکامی را که واهمه درک کرده ذخیره می‌کند. ر.ک: صدرالمتألهین، ۱۳۶۰، ص ۱۹۴ و همان، ۱۹۸۱م، ج ۸، ص ۲۱۸-۲۲۱.

۷. ترکیب و تفصیل بعضی از صور یا بعضی دیگر، یا برخی از معانی یا برخی دیگر و یا صور با معانی را انجام می‌دهد و قدرت بر تصرف دارد. ر.ک: صدرالمتألهین، ۱۳۶۰، ص ۱۹۴ و همان، ۱۹۸۱م، ج ۸، ص ۲۱۴-۲۱۵.

۸. ر.ک: صدرالمتألهین، ۱۳۶۰، ص ۱۱۹-۲۰۰. ۹. ر.ک: همان، ص ۲۰۲.

۱۰. ر.ک: همان، ص ۲۰۴-۲۰۵. ۱۱. ر.ک: همان، ص ۲۰۵-۲۰۶.

۱۲. ر.ک: همان، ص ۲۰۶-۲۰۷.

و مراتب عقل عملی نیز پاک کردن ظاهر، تهذیب باطن، نورانی شدن به صور علمیه و صفات نیک، فنای نفس از خویش و منحصر شدن فکر و تأمل در ملاحظه ذات ربوبی و کبریای او هستند (همان، ص ۲۰۸-۲۹۹).

در بررسی محدوده سنی پیدایش مراتب عقل نظری باید توجه داشت که با قوای ادراکی موجود در مرتبه حس، امکان درک مفاهیم عقلی را ندارد و صرفاً زمینه آن فراهم می‌آید؛ زیرا تولد انسان در این عالم، با استعداد ادراک عقلی عجین است؛ یعنی زمینه‌های ادراک عقلانی که همراه با تولد نوزاد به شکل ابزار و قوای ادراکی حسی پدید می‌آیند، باعث می‌شود تا کودک از هنگام تولد عقل بالقوه باشد. اشتداد ادراک حسی در دوره شیرخوارگی و پس از آن، همراه با رشد جسمانی؛ همچنین استفاده از حواس ظاهری و باطنی، باعث می‌شوند که کودکان حدوداً در سه سالگی قادر به تشخیص مصادیق مفاهیمی مثل توپ، تلویزیون، آب، خاک، میز، صندلی، پدر و مادر از یکدیگر باشند و حتی عناوین آنها را نیز به درستی بر مصادیقشان اطلاق کنند. این امر بیانگر شکل‌گیری مفهومی کلی از مصادیق اشیای پیرامون است.

همین ویژگی ادراکی و شناختی (یعنی توانایی عقلی و کلی کردن اشیای پیرامون) خبر از وجود تحقق مرتبه عقل بالملکه می‌دهد؛ زیرا کودک افزون بر ادراک حسی اشیای می‌تواند مفاهیمی کلی از آنها در نزد خود پدید آورد. او همچنین می‌تواند مصادیق هر یک از این مفاهیم را به درستی از یکدیگر تمیز داده و هر مفهوم کلی را بر مصادیق خارجی آن تطبیق دهد. درک مفاهیمی کلی چون کفش، توپ، تلویزیون، آب، فاشق، صندلی، و تمیز مصادیق آنها از یکدیگر و تطبیق هر یک از این مفاهیم بر مصداق‌های خارجی آنها حکایت از ظهور اولین مراتب انتزاعی شناخت در کودک دارد؛ زیرا هر یک از این مفاهیم، مفهومی کلی محسوب می‌شوند و دارای افراد یا مصادیق متعددی هستند.

بر این اساس می‌توان گفت شکل‌گیری مفاهیم کلی (معقول اولی) و قدرت تمیز و تشخیص مصادیق هر یک از آنها، از اولین آثار و لوازم ادراک انتزاعی کودکان است که حدوداً در سه سالگی ظاهر می‌شود؛ این در حالی است که انسان در هنگام تولد عقل بالقوه بود و توانایی درک مفاهیم کلی را نداشت.

با تحقق عقل بالفعل، انسان بر درک تصورات و تصدیقات نظری قدرت پیدا می‌کند. کودکان پس از اینکه در سه سالگی توان درک مفاهیم کلی را پیدا می‌کنند و مجهز به برخی تصورات و تصدیقات بدیهی می‌شوند، به تدریج می‌توانند با استفاده از آنها به کسب تصورات و تصدیقات نظری بپردازند. این توانایی که در حقیقت ویژگی عقل بالفعل است به صورت تدریجی افزایش می‌یابد. قدرت درک مطالب نظری باعث صلاحیت یافتن کودکان برای ورود به مدرسه و آموزش‌هایی است که اهداف و محتوای آنها شامل بسیاری از مفاهیم و گزاره‌های نظری است، می‌شود. چنانچه سومین مرتبه عقل نظری در کودکان بالفعل نشده باشد، آموزش مطالب نظری به

کودک ممکن نخواهد بود؛ بنابراین پس از تحقق دومین مرتبه عقل نظری و قبل از شش سالگی، عقل بالفعل پدید می‌آید.

بر این اساس نکته کلیدی در بررسی و تعیین محدوده سنی تحقق هر یک از مراتب عقل نظری، توجه به بروز آثار و نشانه‌های آن است. به این ترتیب با توجه به اینکه همه ادراکات کودک در ماه‌های آغاز تولد به نحو جزئی است و هیچ ادراک عقلی بدیهی یا نظری ندارد، او در مرتبه عقل بالقوه است. کودک هنگام درک مفاهیم کلی بدیهی عقل بالملکه است و تحقق درک معقولات اولی در سه سالگی، معلول محقق بودن عقل بالملکه در این سن است. شرط تحقق درک معقولات ثانیه نیز تحقق عقل بالفعل است. درک مطالب نظری توسط کودکان نشانه پیدایش سومین مرتبه عقل نظری (عقل بالفعل) است؛ از این رو درک علوم نظری (اعم از تصورات و تصدیقات) در کودکان در سنین پنج و شش سالگی ناشی از تحقق عقل بالفعل است. چهارمین مرتبه عقل نظری (عقل مستفاد) که به نوعی مرز بین نفس ناطقه انسان و قلب اوست، مقامی فراتر از برهان و استدلال است که در آن حقیقت تصورات و تصدیقات بدیهی و نظری شهود می‌شوند. این مرتبه از عقل نظری به‌طور معمول در دوران کودکی و نوجوانی تحقق پیدا نمی‌کند و حتی ممکن است تا پایان عمر نیز حاصل نشود. در نتیجه سه مرتبه نخست عقل نظری تا شش سالگی تحقق پیدا می‌کند و چهارمین مرتبه عقل نظری اصلاً ارتباطی با مسئله این پژوهش پیدا نمی‌کند.

کیفیت ادراک مفاهیم فلسفی در سومین مرتبه عقل نظری

برای پاسخ به این پرسش که کودکان در چه محدوده سنی قادر به درک معقولات ثانیه فلسفی می‌شوند، محدوده سنی تحقق سه مرتبه عقل بالقوه، عقل بالملکه و عقل بالفعل مشخص شد. حال باید دید معقولات ثانیه فلسفی در کدام‌یک از این مراتب عقلی و طبق چه فرایندی درک می‌شود؟ برای این منظور باید توجه داشت که درک مفاهیم فلسفی فقط به‌وسیله عقل انسانی ممکن است و انسان به‌وسیله قوای حسی نمی‌تواند مفاهیم فلسفی را درک کند؛ از این رو ضروری است فرایند گذر از ادراکات حسی و جزئی به عقلی و کلی در پرتو تحقق سه مرتبه نخست عقل نظری بررسی شده و مشخص شود که کودکان چگونه و در چه سنی (یا کدام مرتبه از مراتب عقل نظری) موفق به درک مفاهیم فلسفی می‌شوند.

انسان از ابتدای خلقتش به‌صورت فطری و ذاتی، قوه و استعداد درک معقولات را دارد و به تعبیر دقیق‌تر عقل بالقوه است. او به‌واسطه فعلیت یافتن دومین مرتبه عقل (عقل بالملکه) (شیرازی، ۱۳۶۹، ص ۷۱۹) معقولات اولی را درک می‌کند. سپس آماده دریافت معقولات ثانی می‌شود (سجادی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۹۳۹). بدین‌سان پس از تولد، مادامی که قوای ادراکی انسان

منحصر در حس است، ادراک محدود به حواس باطنی و ظاهری است؛ از این‌رو انسان در دوران کودکی ابتدا فقط اشیای پیرامون را به‌صورت عینی و از طریق حس درک می‌کند، و اگر در ماه‌های نخست، و یا سال اول تولد، مفهومی از برخی از اشیاء و پدیده‌های اطراف خود به دست آورده و به‌واسطه آن موفق به درک و ارتباط با اشیاء می‌شود، ادراک او از طریق صورتی خیالی یا معنایی وهمی و جزئی (نه مفهوم کلی) صورت می‌گیرد. با این حال کودک در حدود سه سالگی، به مرتبه عقل بالملکه می‌رسد و توانایی درک مفاهیم کلی را پیدا می‌کند؛ یعنی در مواجهه با اشیاء و با دخالت قوه خیال، صورتی کلی از اشیاء را در نزد خود پدید می‌آورد و آن را بر مصادیق دیگرش تعمیم می‌دهد.

کیفیت و فرایند ارتقا کودک از ادراک جزئیات به درک معقولات ثانیه فلسفی با توجه به مراتب عقل نظری قابل بررسی و تبیین است. برای این منظور دو نکته قابل توجه است: یکی نیاز انسان به درک جزئیات برای رسیدن به ادراکات عقلی و کلی، و دیگری تفاوت بین انتزاع مفاهیم کلی قابل انطباق بر محسوسات (مانند انسان، اسب و درخت) و مفاهیم مبتنی بر ادراکات کلی (عقلی) چون وجود، وحدت و امتناع. مفاهیم نوع نخست به‌طور مستقیم از راه تجرید و تعمیم جزئیات حسی در نزد عقل پدید می‌آیند؛ ولی مفاهیم نوع دوم صرفاً از راه حواس، تجرید و تعمیم عقل حاصل نمی‌شوند؛ بلکه بعد از پیدایش صور حسیه، با فعالیت عقلی خاصی از صور محسوس انتزاع می‌شوند. از این‌رو ادراک و پیدایش مفاهیم عقلی حتی پیدایش معقولات ثانیه، بعد از ادراکات جزئی حسی حاصل می‌شود (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۲۴۸-۲۵۱).

دقت در این نکته ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که درک مفاهیم فلسفی که از آنها به معقول ثانی تعبیر می‌شود، بعد از درک مفاهیم ماهوی (معقول اولی) ممکن است؛ یعنی مادامی که انسان با استفاده حواس ظاهری و باطنی خود، امور پیرامونی خود را به‌صورت جزئی درک نکرده باشد و به‌وسیله قوه خیال از آنها عکس‌برداری نکرده باشد و صورتی کلی که قابل تعمیم بر مصادیق متعدد باشد را تجرید نکرده باشد، نمی‌تواند ملاحظه‌ای دیگر نسبت به آنها داشته باشد و از طریق مقایسه میان آنها به انتزاع و درک مفاهیم فلسفی نائل شود.

بدین‌سان پیدایش مفاهیم فلسفی در ذهن طی سه مرحله کلی صورت می‌گیرد که عبارتند از: ادراک جزئی امور محسوس؛ تجرید مفهوم یا صورت قابل تعمیم و تطبیق بر مصادیق متعدد؛ ملاحظه نسبت و روابط موجود بین مفاهیم و انتزاع (اعتبار) مفهوم فلسفی. روشن شدن چگونگی وقوع این سه مرحله در دوران کودکی، تعیین‌کننده مرتبه‌ای از عقل نظری است که درک مفاهیم فلسفی در آن رخ می‌دهد و در نتیجه باعث وضوح در توصیف توانایی کودکان در درک معقولات ثانیه فلسفی می‌شود.

پیش از این بیان شد که علامه طباطبایی در تحلیل کیفیت درک مفاهیم کلی، دو مبنای مسبوقیت هرگونه ادراک حصولی به شناخت حضوری؛ و تقدم ادراکات جزئی بر کلی را مطرح کرده است

(مظهری، ۱۳۷۳، ص ۲۵۳-۲۶۴)؛ این دو مبنا اولین گزاره‌های مورد نیاز برای توصیف فرایند درک مفاهیم فلسفی به‌وسیله کودکان هستند؛ زیرا درک معقولات ثانیه فلسفی به‌عنوان یک‌سری مفاهیم کلی و عقلی محتاج تحقق ادراکاتی جزئی برای کودک است؛ زیرا پیدایش این معقولات در ذهن انسان مشروط به مواجهه با افراد و مصادیق خارجی آنها و درک آنها به‌صورت جزئی است.

ادراک جزئی به یکی از دو شکل حصولی یا حضوری صورت می‌گیرد؛ البته تحقق هیچ‌یک از ادراکات حصولی جزئی بدون درک حضوری ممکن نیست. بر همین اساس کودک از هنگام تولدش از راه درک حضوری و شهودی خود، به‌تدریج و به‌نحو حسی به شناخت اطراف خود نائل می‌شود؛ شناختی که کودک در روزها یا ماه‌های اول تولد دارد از طریق مفاهیم و تصاویر ذهنی صورت نمی‌گیرد؛ بلکه کودک اشیا را صرفاً از طریق مشاهده موجودات اطرافش و به‌واسطه قوای حسی خود، به شکلی عینی و حضوری درک می‌کند. از آنجا که مفاهیم یا تصورات ذهنی هیچ نقشی در این میان ایفا نمی‌کنند و اصلاً کودک در این هنگام هیچ بهره‌ای از آنها ندارد، فاقد هرگونه علم و معرفت حصولی به‌شمار می‌رود.

ولی در حدود یک‌سالگی، به‌تدریج تصویری از اشیا در ذهن کودک نقش می‌بندد و او می‌تواند اموری را که پیش‌تر با آنها مواجه شده، در مواجهه مجدد، یادآوری کند. تشدید این امر باعث می‌شود که در حدود دو سالگی، کودک به‌واسطه داشتن تصوراتی جزئی از برخی امور، برخی از اشیا را از طریق مفهوم جزئی آنها درک کند؛ از این‌رو کودک به کمک مشاهده مستقیم اشیای اطراف خود به شناخت حصولی آنها (البته به‌صورت جزئی) می‌پردازد.

استمرار رشد کودک و گسترش جهان او که منجر به افزایش امور محسوس برای اوست، به‌تدریج باعث می‌شود که او بتواند از امور پیرامون خود، مفهومی کلی انتزاع کند. اطلاق نام برخی اشیا، گیاهان یا حیوانات بر مصادیق‌شان (اعم از اینکه این تطبیق درست صورت گیرد یا نادرست) به‌وسیله کودکان در سه سالگی بیانگر شکل‌گیری مفاهیم کلی در ذهن کودکان است. بدین‌سان کودک به‌واسطه شناخت حضوری اشیا، موفق به درک حصولی آنها از طریق مفاهیم ذهنی می‌شود و شکل‌گیری مفهوم عقلی اشیا در ذهن کودک مترتب بر درک جزئی اشیاست.

پس از توضیح پیدایش مفاهیم کلی ماهوی (معقول اولی) در سه سالگی، نوبت به چگونگی دستیابی کودکان به مفاهیم فلسفی می‌رسد. در این میان توجه به تفاوت به‌حمل شایع و به‌حمل اولی مفاهیم فلسفی بسیار مهم هستند؛ زیرا کودکان حدود سه سالگی به‌راحتی با مفاهیمی مثل «هست و نیست»، «چیستی و ماهیت»، «چرایی»، «ضرورت و امتناع» ارتباط برقرار می‌کنند. به سخن دیگر ابتدا مفاهیم فلسفی (به‌حمل اولی) در ذهن کودک شکل نمی‌گیرد؛ بلکه بدون شکل‌گیری این مفاهیم در ذهن کودک، آنها را به‌صورت جزئی و شهودی درک می‌کند؛ یعنی

کودکان ابتدا به حمل شایع این مفاهیم را درک می‌کنند؛ برای نمونه کودک مفاهیم «وجود» و «عدم» را که معادل با «هست» و «نیست» است، با توجه به بودن یا نبودن مادر در خانه می‌فهمد؛ از این رو کودکی که مفاهیم کلی ماهوی در ذهن او شکل گرفته و قادر به شناسایی و معرفی مصادیق آنهاست، بدون اینکه مفاهیم فلسفی در ذهنش شکل گرفته باشد به صورت عینی مصادیق خارجی این مفاهیم فلسفی را تجربه می‌کند و آنها را به نحو حضوری درک می‌کند. سپس به تدریج این امر به شناخت او راه پیدا می‌کند و کودک در حدود چهار-پنج سالگی به بررسی یافته‌های ذهنی خود می‌پردازد و آنچه را که می‌داند یا نمی‌داند اظهار می‌کند. استمرار این جریان به تدریج به توجه آگاهانه نسبت به مفاهیم ذهنی درون خود و مقایسه بین آنها منتهی می‌شود. این امر بیانگر درک مفاهیم فلسفی به وسیله کودکان است. شکل‌گیری و وجود مفاهیم فلسفی در ذهن کودکان در حدود شش سالگی از طریق تطبیق این مفاهیم بر مصادیق خارجی شان در کردار و گفتار کودکانه هنگام جستجوی مقوله‌های به هم مرتبط آشکارا بروز می‌یابد.

بر این اساس، کودک که با تولد عقل بالقوه می‌شود، هیچ‌یک از مفاهیم کلی را درک نمی‌کند و فقط اشیا را به صورت حضوری و یا با مفاهیم جزئی درک می‌کند. او برای درک مفاهیم کلی بدیهی باید عقل بالملکه شود. درک معقولات اولی در سه سالگی بروز می‌کند که این امر بر تحقق دومین مرتبه عقل نظری (عقل بالملکه) گواهی می‌دهد. چنانچه معقولات ثانیه مفاهیمی نظری باشند، درک آنها معلول تحقق عقل بالفعل است. بروز درک مفاهیم فلسفی توسط کودکان در شش سالگی نشانه پیدایش و وجود عقل بالفعل در آنهاست که در نتیجه آن، کودکان در شش سالگی قادر به درک معقولات ثانیه فلسفی می‌شوند. این امر در یافته‌های کمی با توجه به شواهد تجربی به اثبات می‌رسد.

ب. یافته های کمی

میزان درک مفاهیم فلسفی توسط کودکان

با توجه به اینکه این مقاله به دنبال بررسی و تعیین محدوده سنی درک معقولات ثانیه فلسفی می‌باشد، ضروری است که ادعای خود را با ارائه شواهد تجربی نیز اثبات کند. به این منظور توانایی کودکان شش ساله در درک معقولات ثانیه فلسفی، بررسی شد تا افزون بر تعیین میزان درک مفاهیم فلسفی آنها، تحقق سومین مرتبه عقل نظری (عقل بالفعل) به عنوان منشأ و علت حصول درک معقولات ثانیه فلسفی در کودکان شش ساله، معلوم شود؛ از این رو توانایی کودکان شش ساله در درک مفاهیم فلسفی، ضمن انجام فعالیت‌های مختلف هنری، علمی و سرگرمی بررسی شده است.

برای بررسی درک مفاهیم فلسفی توسط کودکان، ابتدا در یک جامعه آماری شامل ۲۴ نفر کودک شش ساله، که از این میان هجده نفر پسر و شش نفر دختر در دسترس بودند، فعالیت‌های

متنوعی از جمله نقاشی، کلاژ، سفال، کاردستی، مسابقه، بازی، گفتگو، پرسش و پاسخ به کار گرفته شد. سپس میزان درک ۶۲ مفهوم فلسفی^۱ با توجه به فعالیت‌های رفتاری شناختی مربوط به هر یک از مفاهیم فلسفی، در ضمن انجام فعالیت‌های عملی، بررسی شد.

ابتدا جهت تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از اجرای پرسش‌نامه، از آزمون کولموگروف-اسمیرنف برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای مورد مطالعه استفاده شد. براساس سطح معناداری آزمون K-S که در بیشتر متغیرهای مورد مطالعه کمتر از ۰/۰۵ است، نتیجه می‌گیریم که فرض صفر (توزیع متغیر X نرمال است) رد می‌شود. به سخن دیگر توزیع بیشتر متغیرها غیر نرمال است؛ بنابراین برای تعیین میزان درک این مفاهیم در کودکان شش ساله از آزمون ناپارامتریک خی دو استفاده شد. طبق نتایج این آزمون که در جداول زیر ارائه شده، ۲۳ مفهوم فلسفی به‌طور کامل، ۱۷ مفهوم در حد عالی و کامل، ۶ مفهوم در حد عالی، ۴ مفهوم در حد خیلی خوب و عالی، ۷ مفهوم در حد خیلی خوب، ۲ مفهوم در حد خوب و خیلی خوب، ۱ مفهوم در حد خوب، ۲ مفهوم در حد متوسط درک شده‌اند. در ادامه نتایج پژوهش ارائه می‌شود:

جدول ۱: میزان درک مفاهیم فلسفی توسط کودکان

| درک | مقادیر | اصلاً | خیلی کم | کم | متوسط | خوب | خیلی خوب | عالی | کامل |
|-------------------|---------------------|-------|---------|------|-------|------|----------|------|------|
| مفاهیم: وجود، عدم | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۲۳ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۹ | ۲/۹ | ۲/۹ | ۲/۹ | ۲/۹ | ۲/۹ | ۲/۹ | ۲/۹ |
| | باقی‌مانده | -۲/۹ | -۲/۹ | -۲/۹ | -۲/۹ | -۲/۹ | -۲/۹ | -۲/۹ | ۲۰/۱ |
| اشتراک لفظی | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۲۰ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۸ | ۲/۸ | ۲/۸ | ۲/۸ | ۲/۸ | ۲/۸ | ۲/۸ | ۲/۸ |
| | باقی‌مانده | -۲/۸ | -۲/۸ | -۲/۸ | -۲/۸ | -۲/۸ | -۲/۸ | -۲/۸ | ۱۹/۳ |
| خط، سطح و حجم | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱۹ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۴ | ۲/۴ | ۲/۴ | ۲/۴ | ۲/۴ | ۲/۴ | ۲/۴ | ۲/۴ |
| | باقی‌مانده | -۲/۴ | -۲/۴ | -۲/۴ | -۲/۴ | -۲/۴ | -۲/۴ | -۲/۴ | ۱۶/۶ |

۱. ۶۲ مفهوم فلسفی که میزان درک کودکان از آنها مورد بررسی قرار گرفته عبارت‌اند از: ۱. وجود؛ ۲. عدم؛ ۳. حیثیت ماهیت؛ ۴. حیثیت وجود؛ ۵. اشتراک لفظی؛ ۶. اشتراک معنوی؛ ۷. اصل؛ ۸. اعتباری؛ ۹. وجود ذهنی؛ ۱۰. وجود خارجی؛ ۱۱. وجود ربطی؛ ۱۲. وجود استقلالی؛ ۱۳. وجود؛ ۱۴. امکان؛ ۱۵. امتناع؛ ۱۶. ذاتی؛ ۱۷. عرضی؛ ۱۸. جوهر؛ ۱۹. عرض؛ ۲۰. خط؛ ۲۱. سطح؛ ۲۲. حجم؛ ۲۳. زمان؛ ۲۴. عدد؛ ۲۵. مضموم؛ ۲۶. مسموع؛ ۲۷. مذوق؛ ۲۸. ملموس؛ ۲۹. مبصر؛ ۳۰. شکل؛ ۳۱. زاویه؛ ۳۲. استقامه؛ ۳۳. انحناء؛ ۳۴. زوج؛ ۳۵. فرد؛ ۳۶. قوه؛ ۳۷. لاقوه؛ ۳۸. اضافه؛ ۳۹. آبن؛ ۴۰. وضع؛ ۴۱. جده؛ ۴۲. أن یفعل؛ ۴۳. أن ینفعل؛ ۴۴. وحدت؛ ۴۵. کثرت؛ ۴۶. تناقض؛ ۴۷. تضاد؛ ۴۸. تضایف؛ ۴۹. سبق؛ ۵۰. لحوق؛ ۵۱. معیت؛ ۵۲. حرکت؛ ۵۳. سکون؛ ۵۴. سرعت؛ ۵۵. بطؤ؛ ۵۶. قوه؛ ۵۷. فعل؛ ۵۸. علت؛ ۵۹. معلول؛ ۶۰. علم؛ ۶۱. عالم؛ ۶۲. معلوم.

| درک | مقادیر | اصلاً | خیلی کم | کم | متوسط | خوب | خیلی خوب | عالی | کامل |
|----------------------------------|---------------------|-------|---------|------|-------|------|----------|------|------|
| مشموم، مذوق، مسموع، مبصر و ملموس | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱۸ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ |
| | باقی مانده | -۲/۳ | -۲/۳ | -۲/۳ | -۲/۳ | -۲/۳ | -۲/۳ | -۲/۳ | ۱۵/۸ |
| شکل و زاویه | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱۷ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ |
| | باقی مانده | -۲/۱ | -۲/۱ | -۲/۱ | -۲/۱ | -۲/۱ | -۲/۱ | -۲/۱ | ۱۴/۹ |
| اضافه | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱۶ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۰ | ۲/۰ | ۲/۰ | ۲/۰ | ۲/۰ | ۲/۰ | ۲/۰ | ۲/۰ |
| | باقی مانده | -۲/۰ | -۲/۰ | -۲/۰ | -۲/۰ | -۲/۰ | -۲/۰ | -۲/۰ | ۱۴/۰ |
| وضع و آیین | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱۸ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ |
| | باقی مانده | -۲/۳ | -۲/۳ | -۲/۳ | -۲/۳ | -۲/۳ | -۲/۳ | -۲/۳ | ۱۵/۸ |
| وحدت و کثرت | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۲۰ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۵ | ۲/۵ | ۲/۵ | ۲/۵ | ۲/۵ | ۲/۵ | ۲/۵ | ۲/۵ |
| | باقی مانده | -۲/۵ | -۲/۵ | -۲/۵ | -۲/۵ | -۲/۵ | -۲/۵ | -۲/۵ | ۱۷/۵ |
| سبق و لحوق و معیت | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱۹ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۴ | ۲/۴ | ۲/۴ | ۲/۴ | ۲/۴ | ۲/۴ | ۲/۴ | ۲/۴ |
| | باقی مانده | -۲/۴ | -۲/۴ | -۲/۴ | -۲/۴ | -۲/۴ | -۲/۴ | -۲/۴ | ۱۶/۶ |
| حرکت و سکون | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱۸ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ |
| | باقی مانده | -۲/۳ | -۲/۳ | -۲/۳ | -۲/۳ | -۲/۳ | -۲/۳ | -۲/۳ | ۱۵/۸ |

با توجه به نتایج جدول بالا، چون مقدار χ^2 دو در میزان درک مفاهیم وجود و عدم (۱۶۱/۰)، اشتراک لفظی (۱۵۴/۰)، خط، سطح و حجم (۱۳۳/۰)، مشموم، مذوق، مسموع، مبصر و ملموس (۱۲۶/۰)، شکل و زاویه (۱۱۹/۰)، اضافه (۱۱۲/۰)، وضع و آیین (۱۲۶/۰)، وحدت و کثرت (۱۴۰/۰)، سبق، لحوق و معیت (۱۳۳/۰)، حرکت و سکون (۱۲۶/۰) در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار است ($p=0/000$)، بنابراین میان فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معناداری از نظر آماری وجود دارد و با توجه به اینکه تجمع فراوانی‌ها در گزینه کامل می‌باشد، می‌توان چنین استنباط کرد که کودکان قادر به یادگیری مفاهیم وجود، عدم، اشتراک لفظی، خط، سطح، حجم، مشموم، مذوق، مسموع، مبصر، شکل، زاویه، اضافه، آیین، وضع، وحدت، کثرت، سبق، لحوق، معیت، حرکت و سکون در حد کامل می‌باشند.

جدول ۲: میزان درک مفاهیم فلسفی توسط کودکان

| درک | مقادیر | اصلاً | خیلی کم | کم | متوسط | خوب | خیلی خوب | عالی | کامل |
|----------------------------------|---------------------|-------|---------|------|-------|------|----------|------|------|
| مفاهیم اصیل و اعتباری | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۲ | ۴ | ۱۲ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ |
| | باقی مانده | -۲/۳ | -۲/۳ | -۲/۳ | -۲/۳ | -۲/۳ | -۲/۳ | -۳ | ۹/۸ |
| حیثیت وجود | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱۰ | ۱۲ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۸ | ۲/۸ | ۲/۸ | ۲/۸ | ۲/۸ | ۲/۸ | ۲/۸ | ۲/۸ |
| | باقی مانده | -۲/۸ | -۲/۸ | -۲/۸ | -۲/۸ | -۲/۸ | -۲/۸ | -۲/۸ | ۹/۳ |
| حیثیت ماهیت | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۲۰ | ۲ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۸ | ۲/۸ | ۲/۸ | ۲/۸ | ۲/۸ | ۲/۸ | ۲/۸ | ۲/۸ |
| | باقی مانده | -۲/۸ | -۲/۸ | -۲/۸ | -۲/۸ | -۲/۸ | -۲/۸ | -۲/۸ | ۰/۸ |
| وجود ربطی و استقلالی | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱۶ | ۵ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ |
| | باقی مانده | -۲/۶ | -۲/۶ | -۲/۶ | -۲/۶ | -۲/۶ | -۲/۶ | -۲/۶ | ۲/۴ |
| وجود ذهنی و خارجی | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۲۰ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ |
| | باقی مانده | -۲/۶ | -۲/۶ | -۲/۶ | -۲/۶ | -۲/۶ | -۲/۶ | -۱/۶ | ۱۷/۴ |
| وجود | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۸ | ۱۳ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ |
| | باقی مانده | -۲/۶ | -۲/۶ | -۲/۶ | -۲/۶ | -۲/۶ | -۲/۶ | -۲/۶ | ۱۰/۴ |
| امتناع | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۷ | ۱۳ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ |
| | باقی مانده | -۲/۶ | -۲/۶ | -۲/۶ | -۲/۶ | -۲/۶ | -۲/۶ | -۲/۶ | ۱۱/۴ |
| عدد | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۳ | ۱۶ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۵ | ۲/۵ | ۲/۵ | ۲/۵ | ۲/۵ | ۲/۵ | ۲/۵ | ۲/۵ |
| | باقی مانده | -۲/۵ | -۲/۵ | -۲/۵ | -۲/۵ | -۱/۵ | -۲/۵ | -۲/۵ | ۱۳/۵ |
| استقامت و اتحنا؛ زوج و فرد | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۱۱ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۱/۵ | ۱/۵ | ۱/۵ | ۱/۵ | ۱/۵ | ۱/۵ | ۱/۵ | ۱/۵ |
| | باقی مانده | -۱/۵ | -۱/۵ | -۱/۵ | -۱/۵ | -۱/۵ | -۱/۵ | -۰/۵ | ۹/۵ |
| أن یفعل و أن ینفعل | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱۷ | ۱ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۳ |
| | باقی مانده | -۲/۳ | -۲/۳ | -۲/۳ | -۲/۳ | -۲/۳ | -۲/۳ | -۲/۳ | -۱/۳ |

با توجه به نتایج جدول بالا، چون مقدار خی دو در میزان درک مفاهیم اصیل و اعتباری (۵۴/۸۸۹)، حیثیت وجود (۶۶/۷۲۷)، حیثیت ماهیت (۱۲۴/۹۰۹)، وجود ربطی و استقلالی

(۸۶/۰۴۸)، وجود ذهنی و خارجی (۱۳۱/۷۶۲)، وجوب (۶۷/۷۶۲)، امتناع (۷۲/۳۳۳)، عدد (۸۶/۴)، استقامت، انحناء، زوج و فرد (۶۹/۳۳۳)، آن یفعل و آن ینفعل (۱۱۰/۸۸۹) در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار است ($p=۰/۰۰۰$)، بنابراین میان فراوانی های مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معناداری از نظر آماری وجود دارد و با توجه به اینکه تجمع فراوانی ها در گزینه های عالی و کامل می باشد، می توان چنین استنباط کرد که کودکان قادر به یادگیری مفاهیم اصیل، اعتباری، حیثیت وجود، حیثیت ماهیت، وجود ربطی، وجود استقلالی، وجود ذهنی، وجود خارجی، وجوب، امتناع، عدد، استقامت، انحناء، زوج، فرد، آن یفعل و آن ینفعل در حد عالی و کامل هستند.

جدول ۳: میزان درک مفاهیم فلسفی توسط کودکان

| درک | مقادیر | اصلا | خیلی کم | کم | متوسط | خوب | خیلی خوب | عالی | کامل |
|---------------|---------------------|------|---------|------|-------|------|----------|------|------|
| زمان | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۲۱ | ۰ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ |
| | باقی مانده | -۲/۶ | -۲/۶ | -۲/۶ | -۲/۶ | -۲/۶ | -۲/۶ | ۱۸/۴ | -۲/۶ |
| قوه و لاقوه | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱۷ | ۰ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ |
| | باقی مانده | -۲/۱ | -۲/۱ | -۲/۱ | -۲/۱ | -۲/۱ | -۲/۱ | ۱۴/۹ | -۲/۱ |
| جده | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱۷ | ۰ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ |
| | باقی مانده | -۲/۱ | -۲/۱ | -۲/۱ | -۲/۱ | -۲/۱ | -۲/۱ | ۱۴/۹ | -۲/۱ |
| قوه (استعداد) | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱۴ | ۰ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۱/۸ | ۱/۸ | ۱/۸ | ۱/۸ | ۱/۸ | ۱/۸ | ۱/۸ | ۱/۸ |
| | باقی مانده | -۱/۸ | -۱/۸ | -۱/۸ | -۱/۸ | -۱/۸ | -۱/۸ | ۱۲/۳ | -۱/۸ |
| معلوم | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱۷ | ۰ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ |
| | باقی مانده | -۲/۱ | -۲/۱ | -۲/۱ | -۲/۱ | -۲/۱ | -۲/۱ | ۱۴/۹ | -۲/۱ |

با توجه به نتایج بالا، چون مقدار خی دو در میزان درک مفاهیم زمان (۱۴۷/۰)، قوه و لاقوه (۱۱۹/۰)، جده (۱۱۹/۰)، قوه (استعداد) (۹۸/۰)، معلوم (۱۱۹/۰) در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار است ($p=۰/۰۰۰$)، بنابراین میان فراوانی های مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معناداری از نظر آماری وجود دارد و با توجه به اینکه تجمع فراوانی ها در گزینه عالی می باشد، می توان چنین استنباط کرد که کودکان قادر به یادگیری مفاهیم زمان، قوه، لاقوه، جده، قوه (استعداد)، معلوم در حد عالی هستند.

جدول ۴: میزان درک مفاهیم فلسفی توسط کودکان

| درک | مقادیر | اصلاً | خیلی کم | کم | متوسط | خوب | خیلی خوب | عالی | کامل |
|----------------|---------------------|-------|---------|------|-------|------|----------|------|------|
| ذاتی و عرضی | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱۸ | ۵ | ۰ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۹ | ۲/۹ | ۲/۹ | ۲/۹ | ۲/۹ | ۲/۹ | ۲/۹ | ۲/۹ |
| | باقی مانده | -۲/۹ | -۲/۹ | -۲/۹ | -۲/۹ | -۲/۹ | ۱۵/۱ | ۲/۱ | -۲/۹ |
| سرعت و بطوء | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۴ | ۹ | ۰ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۱/۶ | ۱/۶ | ۱/۶ | ۱/۶ | ۱/۶ | ۱/۶ | ۱/۶ | ۱/۶ |
| | باقی مانده | -۱/۶ | -۱/۶ | -۱/۶ | -۱/۶ | -۱/۶ | ۲/۴ | ۷/۴ | -۱/۶ |

با توجه به نتایج جدول بالا، مقدار خبی دو در میزان درک مفاهیم ذاتی و عرضی (۹۸/۳۹۱)، سرعت و بطوء (۴۶/۶۹۲) در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار است ($p=۰/۰۰۰$)، بنابراین میان فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معناداری از نظر آماری وجود دارد و با توجه به اینکه تجمع فراوانی‌ها در گزینه خیلی خوب و عالی می‌باشد، می‌توان چنین استنباط کرد که کودکان قادر به یادگیری مفاهیم ذاتی، عرضی، سرعت و بطوء در حد خیلی خوب و عالی هستند.

جدول ۵: میزان درک مفاهیم فلسفی توسط کودکان

| درک | مقادیر | اصلاً | خیلی کم | کم | متوسط | خوب | خیلی خوب | عالی | کامل |
|-------------------------------|---------------------|-------|---------|------|-------|------|----------|------|------|
| اشتراک معنوی | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱۵ | ۰ | ۰ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۱/۹ | ۱/۹ | ۱/۹ | ۱/۹ | ۱/۹ | ۱/۹ | ۱/۹ | ۱/۹ |
| | باقی مانده | -۱/۹ | -۱/۹ | -۱/۹ | -۱/۹ | -۱/۹ | ۱۳/۱ | -۱/۹ | -۱/۹ |
| امکان | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۲۱ | ۰ | ۰ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ |
| | باقی مانده | -۲/۶ | -۲/۶ | -۲/۶ | -۲/۶ | -۲/۶ | ۱۸/۴ | -۲/۶ | -۲/۶ |
| فعل (در برابر قوه) | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱۴ | ۰ | ۰ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۱/۸ | ۱/۸ | ۱/۸ | ۱/۸ | ۱/۸ | ۱/۸ | ۱/۸ | ۱/۸ |
| | باقی مانده | -۱/۸ | -۱/۸ | -۱/۸ | -۱/۸ | -۱/۸ | ۱۲/۳ | -۱/۸ | -۱/۸ |
| علت و معلول؛ علم و عالم | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱۷ | ۰ | ۰ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ |
| | باقی مانده | -۲/۱ | -۲/۱ | -۲/۱ | -۲/۱ | -۲/۱ | ۱۴/۹ | -۲/۱ | -۲/۱ |

با توجه به نتایج جدول بالا، چون مقدار خبی دو در میزان درک مفاهیم اشتراک معنوی (۱۰۵/۰)، امکان (۱۴۷/۰)، فعل (۹۸/۰)، علت، معلول، علم و عالم (۱۱۹/۰) در سطح

آلفای ۰/۰۱ معنادار است ($p=۰/۰۰۰$)، بنابراین میان فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معناداری از نظر آماری وجود دارد و با توجه به اینکه تجمع فراوانی‌ها در گزینه خیلی خوب می‌باشد، می‌توان چنین استنباط کرد که کودکان قادر به یادگیری مفاهیم اشتراک معنوی، امکان، فعل، علت، معلول، علم و عالم در حد خیلی خوب هستند.

جدول ۶: میزان درک مفاهیم فلسفی توسط کودکان

| درک | مقادیر | اصلاً | خیلی کم | کم | متوسط | خوب | خیلی خوب | عالی | کامل |
|------------|---------------------|-------|---------|------|-------|-----|----------|------|------|
| جوهر و عرض | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۷ | ۹ | ۱ | ۰ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ |
| | باقی‌مانده | -۲/۱ | -۲/۱ | -۲/۱ | -۲/۱ | ۴/۹ | ۶/۹ | -۱/۱ | -۲/۱ |

با توجه به نتایج جدول بالا، چون مقدار خبی دو در میزان درک مفاهیم جوهر و عرض (۴۴/۶۴۷) در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار است ($p=۰/۰۰۰$)، بنابراین میان فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معناداری از نظر آماری وجود دارد و با توجه به اینکه تجمع فراوانی‌ها در گزینه‌های خوب و خیلی خوب می‌باشد، می‌توان چنین استنباط کرد که کودکان قادر به یادگیری مفاهیم جوهر، عرض، در حد خوب و خیلی خوب هستند.

جدول ۷: میزان درک مفاهیم فلسفی توسط کودکان

| درک | مقادیر | اصلاً | خیلی کم | کم | متوسط | خوب | خیلی خوب | عالی | کامل |
|-------|---------------------|-------|---------|------|-------|------|----------|------|------|
| تناقض | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱۷ | ۰ | ۰ | ۰ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ |
| | باقی‌مانده | -۲/۱ | -۲/۱ | -۲/۱ | -۲/۱ | ۱۴/۹ | -۲/۱ | -۲/۱ | -۲/۱ |

با توجه به نتایج جدول بالا، چون مقدار خبی دو در میزان درک مفهوم تناقض (۱۱۹/۰) در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار است ($p=۰/۰۰۰$)، بنابراین میان فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معناداری از نظر آماری وجود دارد و با توجه به اینکه تجمع فراوانی‌ها در گزینه خوب می‌باشد، می‌توان چنین استنباط کرد که کودکان قادر به یادگیری مفهوم تناقض در حد خوب هستند.

جدول ۸: میزان درک مفاهیم فلسفی توسط کودکان

| درک | مقادیر | اصلاً | خیلی کم | کم | متوسط | خوب | خیلی خوب | عالی | کامل |
|--------------|---------------------|-------|---------|------|-------|------|----------|------|------|
| تضاد و تضایف | فراوانی مشاهده شده | ۰ | ۰ | ۰ | ۱۷ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ |
| | فراوانی مورد انتظار | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۱ |
| | باقی مانده | -۲/۱ | -۲/۱ | -۲/۱ | ۱۴/۹ | -۲/۱ | -۲/۱ | -۲/۱ | -۲/۱ |

با توجه به نتایج جدول بالا، چون مقدار χ^2 دو در میزان درک مفاهیم تضاد و تضایف (۱۱۹/۰) در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار است ($p=۰/۰۰۰$)، بنابراین میان فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معناداری از نظر آماری وجود دارد و با توجه به اینکه تجمع فراوانی‌ها در گزینه متوسط می‌باشد، می‌توان چنین استنباط کرد که کودکان قادر به یادگیری مفاهیم تضاد و تضایف در حد متوسط هستند.

با توجه به نتایج، در بررسی میزان درک مفاهیم فلسفی در کودکان شش ساله، می‌توان چنین نتیجه گرفت که طبق شواهد تجربی کودکان قادر به درک مفاهیم فلسفی هستند و افزون بر این چون درک مفاهیم فلسفی (معقولات ثانیه فلسفی) معلول تحقق عقل بالفعل است، سومین مرتبه عقل نظری در کودکان شش ساله تحقق یافته است.

نتیجه‌گیری

هدف مقاله بررسی و تعیین محدوده سن درک معقولات ثانیه فلسفی در کودکان است. در راستای این هدف سه سؤال فرعی در نظر گرفته شد. در پاسخ به سؤال اول که هر یک از مراتب عقل نظری (عقل بالقوه، عقل بالملکه و عقل بالفعل) در چه محدوده سنی تحقق می‌یابند، معلوم شد که کودکان با آغاز تولد و به واسطه پیدایش شناخت حسی، دارای مرتبه عقل بالقوه هستند. همچنین در حدود سه سالگی، به دلیل درک تصورات و تصدیقات بدیهی، عقل بالملکه در کودکان شکل می‌گیرد و در شش سالگی عقل بالفعل تحقق می‌یابد.

در پاسخ به سؤال دوم که معقولات ثانیه فلسفی چگونه و در کدام مرتبه عقل نظری درک می‌شود، با این پیش فرض که معقولات ثانیه فلسفی مفاهیمی نظری هستند، معلوم شد که درک آنها به واسطه وجود سومین مرتبه عقل نظری (عقل بالفعل) در سن شش سالگی محقق می‌شود. در خصوص کیفیت و فرایند تحقق درک مفاهیم فلسفی نیز تبیین شد که این امر به واسطه سه مرحله درک امور محسوس، تجرید مفهوم یا صورت قابل تعمیم و تطبیق بر مصادیق متعدد و ملاحظه نسبت و روابط موجود بین مفاهیم و انتزاع یا اعتبار مفهوم فلسفی صورت می‌گیرد؛ زیرا درک حصولی مسبوق به شناخت حضوری بوده و ادراکات جزئی بر درک کلیات مقدم هستند.

بر این اساس کودکان در فرایند درک مفاهیم فلسفی ابتدا با افراد و درک مصادیق خارجی آن روبه‌رو می‌شوند که این امر در ابتدا به صورت حضوری و سپس به نحو حصولی روی می‌دهد. کودک در حدود دو سالگی قادر به تصور جزئی برخی امور و درک آنها از طریق مفهوم جزئی می‌شود. استمرار این امر در حدود سه سالگی باعث شکل‌گیری معقولات اولی در ذهن کودک می‌شود. به واسطه روش‌های تبدیل علم حضوری به حصولی (۱). اخذ بدون واسطه علم حصولی از علم حضوری؛ ۲. تصرف قوه مدرکه در معلوم حضوری) کودک سه ساله می‌تواند با استفاده از قوای ادراکی خود، در اثر برخورد حسی با اشیای اطراف، صورتی کلی و قابل انطباق بر مصادیق متعدد را در نزد خویش پدید آورد. بدین‌سان او موفق به درک معقولات اولی می‌شود.

وجود معقولات اولی در ذهن کودک و درک حقیقت آنها به روش حضوری، بستر تصرف قوه مدرکه را در آنها فراهم نموده و باعث پیدایش نوعی دیگر از مفاهیم عقلی می‌شود که از آنها به مفاهیم فلسفی تعبیر می‌شود. کودکان در حدود سه سالگی با مفاهیمی مثل «هست و نیست»، «چیست»، «چرا» ارتباط برقرار می‌کنند. هرچند در این مرحله مفاهیم فلسفی (به حمل اولی) در ذهن کودک شکل نگرفته و آنها نمی‌توانند مفاهیمی مثل وجود، زمان و علم را بر مصادیق‌شان تطبیق کنند، با این حال آنها می‌توانند بدون شکل‌گیری این مفاهیم در ذهن، آنها را به صورت جزئی و شهودی درک کنند؛ یعنی کودکان ابتدا به حمل شایع این مفاهیم را درک می‌کنند؛ مثل درک مفاهیم «هست» و «نیست» در درک بودن یا نبودن مادر در خانه.

بر این اساس کودکی که مفاهیم کلی ماهوی در ذهن او شکل گرفته و قادر به شناسایی و معرفی مصادیق آنهاست، بدون اینکه مفاهیم فلسفی در ذهنش شکل گرفته باشد به صورت عینی به تجربه مصادیق خارجی آن پرداخته و آنها را به نحو حضوری درک می‌کند. استمرار این تجربه باعث شکل‌گیری مفاهیم فلسفی در ذهن کودک می‌شود. وجود مفاهیم فلسفی در ذهن کودکان شش ساله به واسطه تطبیق این مفاهیم بر مصادیق خارجی‌شان بروز می‌یابد.

از آنجاکه ثبات درک معقولات ثانیه فلسفی (به واسطه تحقق سومین مرتبه عقل نظری) در شش سالگی، نیازمند شواهد تجربی و میدانی بود، در پاسخ به سؤال سوم مبنی بر میزان درک مفاهیم فلسفی توسط کودکان شش ساله، میزان درک ۶۲ مفهوم فلسفی در ۲۴ کودک بررسی شد. براساس سطح معناداری آزمون K-S که در تمامی متغیرهای مورد مطالعه کمتر از ۰/۰۵ بود، نتیجه گرفتیم که فرض صفر (توزیع متغیر X نرمال است) رد می‌شود. به سخن دیگر توزیع بیشتر متغیرها (میزان درک معقولات ثانیه فلسفی) غیرنرمال بودند. بنابراین جهت بررسی دستیابی به اهداف کلی، آزمون ناپارامتریک خی دو استفاده شد. براساس نتایج، کودکان شش ساله، ۲۳ مفهوم فلسفی را به طور کامل، هفده مفهوم را در حد عالی و کامل، شش مفهوم را در حد عالی، چهار مفهوم را در حد

خیلی خوب و عالی، هفت مفهوم را در حد خیلی خوب، دو مفهوم را در حد خوب و خیلی خوب، یک مفهوم را در حد خوب، دو مفهوم را در حد متوسط درک کردند.

به این ترتیب از مجموع یافته‌های پژوهش استنباط می‌شود: نخست آنکه درک مفاهیم نظری در شش سالگی معلول تحقق سومین مرتبه عقل نظری در این سن است؛ دوم آنکه مفهوم فلسفی چون معقول ثانی است از جمله مفاهیم نظری به شمار می‌رود، از این رو شرط درک مفاهیم فلسفی وجود سومین مرتبه عقل نظری است؛ سوم آنکه براساس شواهد تجربی موجود در این پژوهش (میزان توانایی کودکان برای درک معقولات ثانیه فلسفی در سن شش سالگی) همچنین علیت عقل بالفعل برای تحقق درک معقول ثانی، می‌توان چنین نتیجه گرفت که کودکان در محدوده سنی شش سالگی دارای سومین مرتبه عقل نظری هستند و به همین دلیل می‌توانند مفاهیم فلسفی را درک کنند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. اسماعیلی، مسعود (۱۳۸۹)، معقول ثانی فلسفی در فلسفه اسلامی (سیر بحث در تاریخ فلسفه و نقد و تحلیل مسئله)، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته.
۲. _____ (۱۳۸۸)، «معقول ثانی در فلسفه صدرالمتألهین»، ذهن، ۱۰ (۴۰)، ص ۱۷-۵۴.
۳. پرویزی، مهدی (۱۳۹۲)، فلسفه اسلامی؛ طرح درس‌هایی برای آموزش به کودکان، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴. _____ (۱۳۹۳)، شیوه آموزش مفاهیم فلسفه اسلامی به کودکان پیش از دبستان، بی‌جا، بی‌نا.
۵. روضاتی، سیدمحمد (۱۳۸۲)، «نقد نظریه ملاصدرا دربار معقول ثانی فلسفی»، مقالات و بررسی‌ها، ۳۶ (۷۴)، ص ۱۶۱-۱۶۸.
۶. سبزواری، ملاحادی (۱۴۱۶ق)، شرح المنظومه، تهران: ناب.
۷. سجادی، سیدجعفر (۱۳۷۳)، فرهنگ معارف اسلامی، تهران: دانشگاه تهران.
۸. سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۲)، روان‌شناسی پرورشی نوین، تهران: دوران.
۹. شریف، زهرا (۱۳۸۸)، «معقول ثانی فلسفی در فلسفه مشائی اشراقی (از خواجه نصیر تا میرداماد)»، معرفت فلسفی، ۷ (۲۵)، ص ۳۸-۸۰.
۱۰. شیرازی، قطب‌الدین (۱۳۶۹)، درة التاج، تهران: حکمت.
۱۱. صدرالمتألهین (۱۳۵۴)، المبدأ و المعاد، تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
۱۲. _____ (۱۳۶۰)، الشواهد الربوبية في المناهج السلوكية، مشهد: المركز الجامعي للنشر.
۱۳. _____ (۱۳۶۳)، مفاتیح الغیب، تهران: مؤسسه تحقیقات فرهنگی.
۱۴. _____ (۱۳۰۲ق)، اکسیر العارفين: مجموعة الرسائل التسعة، تهران: مکتبه المصطفوی.
۱۵. _____ (۱۹۸۱)، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه، بیروت: دار احیاء التراث.
۱۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۳)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، در: مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۶، تهران: صدرا.
۱۷. _____ (۱۴۲۲ق)، نه‌ایة الحکمة، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۸. فنائی اشکوری، محمد (۱۳۸۷ش)، معقول ثانی (تحلیلی از انواع مفاهیم کلی در فلسفه اسلامی و غربی)، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته.
۱۹. مصباح، محمدتقی (۱۳۶۶)، آموزش فلسفه، تهران: سازمان تبلیغات.

۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، شرح منظومه، در: مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۵، تهران: صدرا.
۲۱. _____ (۱۳۷۳)، اصول فلسفه و رئالیسم، در: مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۶، تهران: صدرا.
۲۲. _____ (۱۳۷۴)، شرح مبسوط منظومه، در: مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۹ و ۱۰، تهران: صدرا.

